

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod:2021S5D17SH9925 ISSN-P: 2538-3701

بررسی صدمات مسری و غیر مسری و تاثیر زمان در سرایت

جنایت از منظر فقه، حقوق و پزشکی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

دکتر جعفر فراست^۱

حقوق کیفری و جرم شناسی، مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، یاسوج، ایران

دکتر کامروز امینی

MD مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، یاسوج، ایران

فاطمه یاری نسب

MSC مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، یاسوج، ایران

چکیده

سرایت جنایت از موضوعاتی است که در بحث جنایات عمدی و غیر عمدی مطرح می شود. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعریفی از سرایت جنایت مشاهده نمی شود اما در تحقیقات فقهی، تعاریفی در این زمینه ارائه گردیده است و در مجموع، سرایت، در اصطلاح، از مفهوم لغوی متمایز نبوده و می توان چنین بیان نمود که سرایت جنایت به معنی اثر کردن و پیشروی صدمه یا صدمات وارده به منجی علیه است که منجر به آسیب بزرگتر یا قطع عضوی از اعضاء یا فوت وی می شود. هرچند در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ موادی را به مبحث مهم سرایت جنایت اختصاصی داده است، اما واقع امر آن است که تفکیکی میان صدمات مسری و غیر مسری صورت نگرفته و احکام آن ها به صورت یک جا در قانون آمده است که این موضوع باعث سردرگمی و ایجاد رویه های فضایی متعارض در تشخیص

^۱ نویسنده مسئول Jafar.farasat12@gmail.com



صدمات مسری و غیرمسری خواهد شد. در سرایت جنایت، علاوه بر شرایطی مانند شدت صدمه یا صدمات، شرایط خاص مجروح، مکان و امکانات پزشکی، عنصر زمان نیز ضرورت دارد و بدون گذشت زمان متعارف، اظهارنظر در خصوص مسری بودن صدمه یا صدمات ممکن نمی باشد و بهتر آن است که قانون گذار علاوه بر تعریف صریحی از سرایت جنایت، شرایط لازم از جمله عنصر زمان را در جهت تشخیص صدمات مسری از غیرمسری بیان نماید.

مقدمه

یکی از مهمترین موضوعاتی که همواره در فقه و حقوق کیفری، به صورت گسترده مورد بحث قرار گرفته است، مبحث جنایات است. جنایات که از آن به عنوان جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص یاد می شود، «علیه جسم و جان، یعنی آنچه که (برخلاف مال) تنها دارایی انسان و جزئی از وجود اوست، ارتکاب می یابند» [۱]. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ علیرغم آن که واژه جنایت در مواد متعددی مورد استفاده قرار گرفته است، اما تعریفی از آن به عمل نیامده است و اقسام جنایات یعنی اعم از جنایت بر نفس، اعضا و منافع در مواد ۱۶ و ۲۸۹ این قانون ذکر شده است. با مذاقه در تحقیقات فقهی نیز تعریفی از جنایت مشاهده نمی شود و البته در فقه، این مفهوم دارای معنای گسترده تری نسبت به حقوق کیفری می باشد و شامل اتلاف اموال از سوی حیوانات نیز می شود [۲]. البته بررسی آراء و نظریات فقها مبین این نقطه است که در واکاوی مبحث جنایات، نسبت به حقوقدانان، با دقت و نکته سنجی بیشتری به موضوع پرداخته اند و ابعاد مختلف را با جزئیات بیشتر و استناد به آیات، روایات و قواعد فقهی مورد تحلیل قرار داده اند. از جمله موضوعاتی که در مبحث جنایات، مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است، بحث پیرامون سرایت جنایت است. این مفهوم، در ابواب مختلف فقهی کتاب القصاص از جمله موجبات ضمان، تداخل جنایات و شرکت در جنایات مورد بحث قرار گرفته است. به طور مثال در بحث از سرایت به عنوان موجبات ضمان گفته شده است: «سرایت ناشی از جنایت باعث ضمان است...» [۳]. قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بحث در خصوص سرایت جنایت و تشریح ابعاد مختلف موضوع، به صورت جامع و گسترده مورد توجه حقوقدانان قرار نگرفته بود. حقوقدانان برجسته کیفری نیز در کتب تالیف شده، مبحثی را به سرایت جنایت اختصاص نداده بودند و به لحاظ فقر تحقیقات حقوقی در این زمینه، همواره رویه ی قضایی محاکم کیفری با چالش هایی مواجه بود که این امر باعث تشکیک آراء در موارد مشابه می گردید و قضات کیفری ناچار به استخراج حکم از منابع فقهی مختلف بودند. بلاخره قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ موادی را به سرایت جنایت اختصاص داد که در فصل دوم از بخش اول کتاب سوم تحت عنوان تداخل جنایات و همچنین



فصل هفتم از بخش اول کتاب چهارم این قانون تحت عنوان تداخل و تعدد دیات، سرایت صدمات عمدی و غیرعمدی و احکام آن مورد تقنین قرار گرفته است.

هر چند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ موادی را به این مبحث مهم و گسترده اختصاص داده است، اما واقع امر آن است که همچنان چالش‌هایی در خصوص ابعاد مختلف موضوع وجود دارد. از جمله چالش‌های موجود، عدم تفکیک صریح میان صدمات مسری و غیرمسری و ذکر احکام آن‌ها به صورت یکجا در قانون است. چالش دیگر در خصوص مفهوم عنصر زمان در سرایت جنایت است که در قانون به این موضوع و همچنین سایر شرایطی که در تشخیص مسری بودن صدمه یا صدمات، لازم و ضروری هستند، اشاره‌ای نشده است و بالتبع، دکتین حقوقی نیز در این زمینه ساکت است. چالش‌های موجود در این زمینه که همواره ممکن است حقوقدانان و همچنین پزشکان قانونی را با ابهاماتی مواجه سازد، باعث اتخاذ رویه‌های قضایی متعارض و متهافت نیز در محاکم کیفری خواهد شد. پژوهش حاضر، تحقیقی در خصوص بررسی تاثیر زمان در تشخیص صدمات مسری از نظر فقه، حقوق و پزشکی است که بدو مفهوم جنایات و سرایت جنایت مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

بخش اول: روش بررسی و یافته‌ها

روش تحقیق در این مقاله: مانند عمده تحقیقات علوم انسانی، به صورت مطالعات کتابخانه‌ای است. با این توضیح که کتب فقهی و حقوقی و پزشکی و همچنین مقالات مرتبط از طریق منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی مورد بررسی و فیش برداری قرار گرفته است و سپس مطالب مرتبط، تجزیه و تحلیل شده است. در عمده تحقیقات حقوقی، موضوع سرایت جنایت و شرایط آن، مورد بحث قرار نگرفته است و در کتب فقهی نیز این موضوع غالباً در کتاب‌القصاص به صورت پراکنده و مختصر تحلیل شده است. در خصوص موضوع مورد بحث یعنی تاثیر زمان در سرایت جنایت، این مختصر واکاوی و کنکاش مشاهده نمی‌شود و صراحتاً



احکامی در این زمینه وجود ندارد. در حالی که در پژوهش حاضر، یافته‌ها به نحوی است که علیرغم فقر منابع کتابخانه‌ای، زوایا و ابعاد مختلف موضوع را تبیین خواهد نمود.

بخش دوم: مفاهیم و تعاریف

بند اول: جنایت

در قانون مجازات اسلامی، تعریفی از واژه جنایت نشده است. «در برخی موارد، منظور جنایت، آسیب حاصله بوده و جدای از رفتار ارتكابی، نگاه قانونگذار را به خود معطوف داشته و به بیان روشن‌تر، جنایت، مترادف نتیجه به کار برده شده که اعم از مرگ، جرح و غیر آنهاست» [۴]. با ملاحظه مواد ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۸۷ و ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این مفهوم از واژه جنایت قابل استنتاج است. «جنایت در برخی مواد قانونی در معنای رفتار منتهی به آسیب، قابل تفسیر است» [۵]. مواد ۱۶، ۲۸۹، ۲۹۸، ۳۸۵ قانون فوق‌الاشعار مفید این معناست. در حقوق جزای اسلامی، واژه جنایت، به معنای جرم و گناه به کار رفته است که به جنایت بر اطراف، منافع، نفس و همچنین جنایت عمدی و غیرعمدی تقسیم شده است [۶]. در پزشکی قانونی از اصطلاح جنایت به آسیب بدنی می‌گردد که ممکن است در اثر اصابت جسم سخت یا برنده یا نوک تیز و ... حادث شده باشد. البته صدمه اعم از ضرب یا جرح است که در لسان فقهای امامیه نوعاً از واژه جرح استفاده شده است. فقها به هر نوع زخمی که از ناحیه غیر به بدن انسان وارد شود و در غیر ناحیه سر و صورت باشد جرح می‌گویند و به زخم های سر و صورت، شجاع می‌گویند و ضرورتی ندارد که زخم توام با خونریزی باشد و هر نوع زخم معمولی یا شکستگی استخوان یا سوختگی بدن یا نظایر آن از اقسام جرح بشمار می‌آید [۷]. البته در پزشکی قانونی به آسیب بدنی که موجب آن بافت های بدن از هم گسیخته شده و اغلب با خونریزی توأمند. مانند پوست رفتگی، خراشیدگی پارگی و بریدگی سطحی و عمیق همراه با آسیب بر پوست و نیز همراه با شکستگی یا آسیب بر پوست و نیز همراه با شکستگی یا آسیب مختصر یا شدید احشایی یا صدمه مغزی می‌باشد جرح گفته می‌شود [۸]. بنابراین با تفاسیر مزبور، می‌توان گفت جنایت رفتاری است که منجر به وقوع آسیب به



تمامیت جسمانی یا منافع یا سلب حیات دیگری می شود. رفتار مرتکب ممکن است فعل مثبت غیرفیزیکی باشد مانند آن که شخصی دیگری را بترساند و سبب شود از بلندی پرت شود و آسیب جسمی ببیند یا حیات وی سلب گردد؛ همچنین ممکن است جنایت در نتیجه ترک فعل واقع شود.

بند دوم: سرایت جنایت

واژه سرایت از «سری» یعنی شبانه سیر کردن گرفته شده که در لغت به معنای اشاعه، انتقال، شیوع، واگیری [۹]، تاثیر و در رفتن و اثر کردن چیزی در چیز دیگر [۱۰] می باشد. واژه مزبور در اصطلاح پزشکی به معنای انتقال مرض از کسی به کس دیگر آمده است [۱۱].

در قانون مجازات اسلامی، اصطلاح سرایت جنایت مورد تعریف قرار نگرفته است در عمده تحقیقات حوقی نیز تعریفی از سرایت مشاهده نمی شود. در یکی از پژوهش های حقوقی، در تعریف سرایت جنایت گفته شده است: «سرایت جنایت همان اثر کردن و نفوذ بیشتر جراحات به سایر نقاط بدن و در نهایت به نفس است» [۱۲]. در بعضی از تحقیقات فقهی نیز، تعاریفی در این زمینه ارائه گردیده است. در یکی از تعاریف گفته شده است: «در اصطلاح فقهی سرایت همان نفوذ و اثر گذاری جراحات به بخشی از بدن و سپس کشیده شدن به دیگر نقاط است» [۱۳]

در تعریف دیگری، سرایت این گونه تعریف شده است: «منظور از سرایت، رسیدن جراحات به حدی است که هر چند بعد از مدتی باعث مرگ شود» [۱۴]. مطابق تعریف دیگر: «مراد از سرایت در جنایت این است که جنایت بر عضوی به سبب آسیب رساندن یا بردن موجب آسیب دیدن یا قطع عضوی دیگر یا منجر به مرگ آسیب دیده گردد» [۱۵]. تعریف مزبور نسبت به تعاریف دیگر جامع تر است. در مجموع سرایت، در اصطلاح، از مفهوم لغوی متمایز نبوده و می توان چنین بیان نمود که سرایت جنایت به معنی اثر کردن و پیشروی صدمه یا صدمات وارده به مجنی علیه که منجر به آسیب بزرگتر یا قطع عضوی از اعضاء یا فوت وی شود.

بخش سوم: تفکیک صدمات مسری از غیر مسری

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بحث در خصوص تداخل جنایات را در مواد ۲۹۶ الی ۳۰۰ و همچنین تداخل و تعدد دیات را در مواد ۵۳۸ الی ۵۴۸ مطرح نموده است. اما بررسی مواد قانونی حاکی از آن است که میان صدمات مسری و همچنین صدماتی که مستقیماً سبب آسیب بزرگتر یا قطع عضو یا مرگ می شوند. تفکیکی صورت نگرفته است و مقررات آنها به صورت یکجا ذکر شده اند که این موضوع باعث ابهام در تشخیص صدمات مسری از غیر مسری خواهد شد. حال باید بررسی نمود کدام یک از مواد قانونی، بحث سرایت جنایت را مطرح کرده اند. ماده ۲۹۶ قانون فوق الاشعار بیان می دارد: «اگر کسی عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می شود، در غیر این صورت، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می شود». این ماده، حالتی را بیان می کند که ضارب، با یک ضربه عمدی، جنایتی را بر عضو فرد دیگری وارد می سازد و ضربه وارده به لحاظ اثر کردن و پیشروی، منتهی به مرگ مجنی علیه شود. قانونگذار در این ماده، مسری بودن صدمه وارده را مدنظر قرار داده است. این مفهوم از سرایت جنایت، شبیه قاعده تعددنتایج مجرمانه در جرایم تعزیری است. زیرا در تعدد نتایج مجرمانه گفته می شود از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل می گردد که در تبصره ۱ ماده ۱۳۴ قانون فوق الذکر به این قاعده اشاره گردیده است. در تعدد نتایج مجرمانه، جرایم حاصله در طول یکدیگر و برخی ناشی از دیگری هستند [۱۶]

در سرایت جنایت نیز وضع به همین منوال است. به طور مثال شخصی بوسیله چوب، ضربه ای به سر دیگری وارد سازد که موجب شکستگی استخوان (هاشمه) شود و خونریزی ناشی از شکستگی استخوان سر به حدی باشد که لخته های ایجاد شده بر وضعیت جسمانی مجنی علیه تاثیر گذاشته و پس از شیوع و پیشروی، منهی به سکنه مغزی و سپس مرگ وی گردد. در این جا نتایج مجرمانه (شکستگی استخوان سر و مرگ) در طول یکدیگر واقع شده اند و بیان آن ها



رابطه علیت وجود دارد. سرایت صدمه یا صدمات غیر عمدی نیز در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی مطرح گردیده است. این ماده بیان می دارد: «هرگاه مجنی علیه در اثر سرایت صدمه یا صدمات غیر عمدی فوت نماید یا عضوی از اعضاء او قطع شود یا آسیب بزرگتری ببیند به ترتیب ذیل دیه تعیین می شود...». در این خصوص، اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۱۰۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳۰ بیان داشته است: «سرایت در لغت به معنی اثر کردن است و منظور از سرایت در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این است که فوت، ناشی از صدمه یا صدمات وارده باشد. صرف فوت بعد از چند روز از وقوع حادثه موجب مشمول عنوان سرایت نیست. زیرا ممکن است فوت به علت دیگری (غیر از صدمه یا صدمات وارده) باشد در هر حال تشخیص اینکه فوت ناشی از سرایت است یا نه، با پزشکی قانونی خواهد بود». ممکن است صدمه بر عضو به طور مستقیم، منتهی به مرگ شود [۱۷] که این حالت، ارتباطی به سرایت جنایت ندارد. مثلاً فردی با شلیک گلوله به سر دیگری مستقیماً موجب مرگ وی شود. در این جا، جنایت وارده، پیشروی و سرایت نموده بلکه مستقیماً منجر به آسیب بزرگتر یا مرگ شده است. ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص چنین حالتی بیان می نماید: «اگر مرتکب با یک ضربه عمدی، موجب جنایتی بر عضو شود که منجر به قتل منجی علیه گردد، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمد محسوب می شود و به علت نقص عضو یا جراحی که سبب قتل شده است به قصاص یا دیه محکوم نمی گردد». مواد ۲۹۸ و ۲۹۹ این قانون نیز بدو حالتی را بیان می نمایند که صدمات وارده غیر مسری هستند اما تبصره ماده ۲۹۹، صدمات مسری را در فرضی که صدمه یا صدمات وارده به قسمت بیشتری از همان عضو یا اعضای دیگر مجنی علیه سرایت کند، مشخص نموده است. ماده ۲۹۸ بیان می دارد: «اگر کسی با یک ضربه عمدی، موجب جنایات متعدد بر اعضای مجنی علیه شود، چنانچه همه آنها به طور مشترک موجب قتل او شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد فقط به قصاص نفس محکوم می شود». در این ماده نیز سرایت جنایت مطرح نیست زیرا آسیب های متعدد در عرض یکدیگر بوده و در اثر پیشروی صدمه اول ایجاد نشده اند. به طور مثال فردی با شلیک گلوله به دیگری سبب

شکستگی دست و پا و دنده های محیط بر قلب وی شود که مطابق ماده مزبور، ممکن ماده ۲۹۹، بعضی از صدمات منهی به قتل گردد که در هر دو حالت، بحث سرایت جنایات وارده مطرح نیست. اما چنانچه در فرض سوال، شکستگی استخوان پای مصدوم پیشروی و سرایت نماید و منجر آسیب سایر اعضا و در نهایت مرگ شود مطابق تبصره ماده ۲۹۹، سرایت جنایت مصداق دارد. در خصوص صدمات غیر عمدی نیز که ارتباطی به بحث سرایت ندارد می توان به ماده ۵۴۱ قانون فوق الاشعار اشاره نمود. این ماده مقرر می دارد: «هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر، آسیب های متعدد در اعضای بدن به وجود آید چنانچه هر یک از آنها در اعضا مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده ولی نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد و یا از یک نوع بوده و لکن در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، هر آسیب دیه جداگانه دارد». به طور مثال شخصی در حین رانندگی با خودرد، به عابر پیاده ای برخورد نماید که در اثر تصادف، آسیب های متعددی در بدن مجنی علیه ایجاد گردد. در خصوص آسیب های ناشی از تصادفات رانندگی منتهی به مرگ یا قطع عضو یا آسیب بیشتر می گردد. در فرض مطرح می شود. فرض اول، آن که مرگ یا قطع عضو یا آسیب بزرگتر ناشی از سرایت تمام یا برخی از صدمات باشد که بند ب ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی، تکلیف را مشخص نموده است: «در صورت تعدد صدمات چنانچه مرگ یا قطع عضو یا آسیب بیشتر، در اثر سرایت تمام صدمات باشد، تنها دیه نقص یا عضو یا آسیب بزرگتر تداخل می کند و دیه صدمات غیر مسری، جداگانه محاسبه و مورد حکم واقع می شود».

فرض دوم، آن که صدمات به طور مستقیم منجر به مرگ یا قطع عضو یا آسیب بیشتر شود. حالت اول از این فرض آن است که تمام صدمات، علت مؤثر در مرگ یا قطع عضو یا آسیب بیشتر باشند. در این خصوص، صدر ماده ۵۴۶ قانون مجازات اسلامی، حکم قضیه را مشخص نموده است: «چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند اینکه با شکستن سر، عقل زایل شود، هرگاه آن جراحت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل می کند و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر



است پرداخت می شود... چنانچه صدمات منجر به قتل شوند نیز با وحدت ملاک از صدر ماده مزبور، فقط دیه نفس پرداخت می شود.

حالت دوم از این فرض آن است که بعضی از صدمات منجر به قتل معینی علیه شوند و بعضی از صدمات علت مؤثر در مرگ نباشد. مثلاً در اثر تصادف، چند عضو از اعضاء بدن معینی علیه دچار شکستگی شوند و در نهایت شکستگی یکی از اعضاء مانند سر، مستقیماً موجب مرگ وی شود. رویه قضایی محاکم کیفری ایران در مواجهه با این حالت، با چالش روبرو شده است و با توجه به آن که شرکت های بیمه نیز در این زمینه و این که آیا باید علاوه بر دیه نفس، دیه سایر صدمات را نیز که مؤثر در قتل نبوده اند متقبل شوند یا خیر با ابهام مواجه شده اند و قانونگذار نیز نص صریحی در این خصوص ندارد و بند ب ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی نیز تنها حکم صدمات مسری را مشخص نموده و آن را از صدمات غیر مسری تفکیک نموده است. در این راستا، اداره حقوقی شرکت بیمه مرکزی ایران استعلامی از اداره کل حقوقی قوه قضائیه نموده است و آن اداره نیز در پاسخ ذبه استعلام شماره ۹۶/۲۰۵/۶۹۶۶ مورخ ۹۶/۱/۲۹، نظریه خود را چنین اعلام نموده است: «اولاً در تصادفات مربوط به رانندگی چنانچه آسیب یا آسیب های بدی وارده به متوفی در اثر یک رفتار (مجرمانه) مرتکب باشد و حادثه نیز بلافاصله منتهی به فوت شود مقصر تنها باید به پرداخت دیه نفس محکوم شود، لکن در صورتی که حادثه مذکور منتهی به مصدومیت فرد شده و متعاقباً مصدوم در اثر سرایت صدمه یا صدمات فوت نماید موضوع مشمول مقررات ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و حسب مورد مشمول بندهای الف یا ب این ماده است...» فلذا هر چند در این حالت، قانون گذار دارای حکم صریحی نمی باشد اما با توجه به تفکیک سرایت جنایت از حالتی که صدمه یا صدمات مستقیماً منجر به فوت یا آسیب بزرگتر شده اند، به نظر می رسد صرفاً پرداخت دیه نفس با عدالت سازگارتر باشد. شایان ذکر است که مواد ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۸ و صدر ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی احکام صدمات غیر مسری را بیان می نمایند هر چند که در خصوص فروض مطروحه در این مواد، امکان سرایت جنایت نیز وجود دارد مانند حکمی که

در قسمت دوم ماده ۵۴۷ در خصوص صدمه مسری بیان گردیده است که به جهت پرهیز از اطلاع کلام، از ذکر متن مواد خودداری می شود.

بخش چهارم: تأثیر زمان در سرایت جنایت

آن چه که در مبحث سرایت جنایت به عنوان یک سوال مهم و اساسی مطرح می شود آن است که آیا عنصر زمان در سرایت جنایت ضرورت دارد یا خیر. به عبارت دیگر آیا ممکن است صدمه ای بلافاصله سرایت و پیشروی نماید و منجر به آسیب بزرگتر یا قطع عضو یا مرگ گردد و یا آن که در پیشروی صدمه یا صدمات، گذشت مدت زمان لازم ضرورت دارد. در پژوهش های حقوقی و حتی آثار نویسندگان برجسته علم حقوق، مطلبی در این خصوص مشاهده نمی گردد. در کتب فقهی نیز عمده مطالبی که در خصوص سرایت جنایت مطرح شده است پس از تبیین سرایت با ذکر یک مثال، موارد عمدی یا غیرعمدی بودن صدمات مسری ذکر گردیده است. به طور مثال در کتاب جواهرالکلام آمده است که چنان چه جانی، عامداً دست دیگری را قطع نماید و یا انگشت وی را به وسیله آلت نوعاً کشته قطع کند و مجنی علیه در اثر سرایت بمیرد، در صورت تساوی شرایط، قاتل قصاص می شود [۱۸]. همچنین در کتاب الثام و الابهام عن قواعد الاحکام در خصوص احکام سرایت، چنین آمده است که اگر شخصی انگشت دیگری را قطع نماید و جنایت وارده به کف دست مجنی علیه سرایت نماید برای او قصاص کف دست ثابت می شود زیرا سرایت جنایت عمدی مانند جنایت عمدی است [۱۹]. برخی از فقها نیز گفته اند در موارد قصاص، سرایت جنایت موجب قصاص نمی شود؛ بلکه در آن دیه ثابت است مگر آن که جانی قصد سرایت داشته باشد یا جنایتی از جنایاتی باشد که غالباً موجب سرایت می شود که در این صورت قصاص ثابت می شود [۲۰]، و چنانچه در پی قطع دست جانی یا مجرم - به جهت قصاص یا اجرای حد - زخم به جای دیگری سرایت کند یا منجر به مرگ جانی یا مجرم گردد، کسی ضامن نخواهد بود [۲۱]. بحث دیگری که فقها مطرح کرده اند که موثر در نتیجه گیری این مبحث از پژوهش نیز می باشد، در خصوص ضمان سرایت جنایت در زمان وقوع جنایت است. یعنی اگر جنایت در زمان وقوع آن، ضمانت



آور نباشد، سرایت آن نیز ضمانت آور نخواهد بود، مانند اینکه مسلمانی دست کافر حربی را قطع کند و سپس مسلمان شود و پس از پذیرش اسلام بر اثر آن جنایت بمیرد، در چنین موردی نه قصاص بر عهده مسلمان ثابت می شود و نه دیه [۲۲]. با توجه به مباحثی که توسط فقها به شرح فوق مطرح گردیده است به نظر می رسد هر چند آنان، صراحتاً در خصوص ضرورت عنصر زمان در سرایت جنایت مطلبی بیان ننموده اند اما با توجه به مثال هایی که بحث سرایت جنایت ذکر کرده اند و همچنین با توجه به مباحثی که در خصوص ضمان سرایت جنایت در زمان وقوع جنایت مطرح کرده اند، حاکی از آن است که تاثیر زمان در سرایت جنایت، مدنظر اندیشمندان اسلامی بوده است. مثلاً در خصوص بحثی که راجع ضمان سرایت جنایت ذکر گردیده است و شخص مسلمان دست کافر حربی را قطع نماید و پس از قطع جنایت، مجنی علیه، مسلمان شود و پس از پذیرش اسلام بر اثر سرایت آن جنایت بمیرد ضمان و مسئولیتی متوجه جانی نمی باشد، این موضوع بیان گر آن است که مدت زمان متعارفی جهت سرایت جنایت وجود دارد که این موضوع مدنظر فقها نیز بوده است. «غالباً سرایت کننده بودن جراحت، ممکن است علل مختلفی داشته باشد مثلاً از جنبه شدت زخم، مکان، زمان و شرایط خاص مجروح. زیرا گاهی زخم شدید است که قاعدتاً در بدن می ماند و موجب سرایت می شود و گاهی نیز شرایط زمانی و مکانی و یا شرایط مزاجی منجی علیه به گونه ای است که چنین زخمی در او موجب سرایت می شود مثلاً شاید در کسی که مبتلا به دیابت است زخم کوچکی به مرگ بینجامد یا مکان دور دست است و وسایل پزشکی وجود ندارد که در نتیجه زخم سرایت می کند و سبب مرگ می شود» [۲۳].

فلذا با توجه به اوصاف مزبور، به نظر می رسد چنان چه علت قهری سرایت، همان جنایتی باشد که به فرد مصدوم وارد شده باشد، پیشروی و انتقال جنایت و سرایت آن به سایر اعضای بدن، نیازمند گذشت حداقل یک مدت زمان عرفی است که بسته به سایر شرایط از جمله مکان، شدت زخم و شرایط جسمی مصدوم، ممکن است زمان مزبور در سرایت، کم یا زیاد باشد. در پزشکی قانونی نیز در خصوص وضعیت بهبود یافتن صدمه یا صدمات وارد به مجنی علیه از این جهت که معیوب یا صحیح التیام یافته اند، مدت زمان لازم جهت معاینه مجدد

فرد مصدوم در نظر گرفته می شود و چه بسا در طول مدت درمان، وضعیت به پیشروی و سرایت جنایت یا جنایات وارده مشخص گردد. البته ممکن است فرد مصدوم بلافاصله پس از ورود صدمه یا صدمات و پیشروی آن، آسیب بزرگتری ببیند یا عضوی از اعضای او قطع یا منجر به مرگ وی شود که در هر حال تشخیص مسری بودن صدمه یا صدمات با پزشکی قانونی است. چنان چه مطابق یافته های علم پزشکی، مسری بودن صدمه یا صدماتی هر چند با گذشت مدت زمان، مشخص نگردد، به نظر می رسد اصل بر عدم سرایت است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در خصوص ضرورت عنصر زمان و یا سایر شرایط لازم جهت سرایت جنایت، نص صریحی وجود ندارد، اما در بعضی مواد قانونی به صورت ضمنی به عنصر زمان اشاره گردیده است. به طور مثال در ماده ۳۴۰ بیان گردیده است: «هر گاه صدمه وارده عمدی باشد و نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد لکن اتفاقاً سرایت کند، علاوه بر حق قصاص یا دیه، نسبت به جنایت عمدی کمتر، حسب مورد دیه جنات بیشتر نیز باید پرداخت شود...» مطابق این ماده می توان چنین استنباط نمود که ممکن است صدمه وارده نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر شود و یا اتفاقاً سرایت نماید در فرضی که جنایت اتفاقاً سرایت نماید ممکن است علاوه بر مدت زمان کوتاهی، سایر شرایط و اوضاع و احوالی سبب شده باشد تا جنایت به صورت اتفاقی پیشروی نماید و منجر به آسیب بزرگتر شود. همچنین مطابق ماده ۵۴۷ این قانون: «هر گاه جراح عمیقی مانند منقله یا جائفه یکباره واقع شود، تنها دیه همان جراح عمیق پرداخت می شود و اگر به تدریج واقع شود یعنی ابتدا جراح خفیفتر مانند موضعه و سپس جراح شدیدتر مانند منقله ایجاد شود، چنانچه به سبب سرایت جنایت اول باشد، تنها دیه جراح شدیدتر پرداخت می شود و در صورتی که به سبب ضربه دیگری باشد، خواه دو ضربه از یک نفر خواه از چند نفر باشد، هر یک از دو جراح، دیه جداگانه دارد». در این ماده نیز علاوه بر آن که صدمات مسری از غیرمسری تفکیک شده اند، با توجه به عبارت «به تدریج واقع شود»، به ضرورت عنصر زمان در سرایت جنایت اشاره گردیده است.

نتیجه گیری



سرایت جنایت از مباحث مهمی است که قانون گذار جمهوری اسلامی ایران، موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به آن اختصاص داده است و مقررات آن را در جنایات عمدی و غیرعمدی بیان نموده است. در قانون، علاوه بر آن که تعریفی از سرایت جنایت نشده است، تفکیکی میان صدمات مسری و غیرمسری به نحوی که ابهام زدایی نماید صورت نگرفته است و احکام آن ها به صورت یکجا ذکر شده است که این موضوع در بعضی از موارد به لحاظ عدم امکان تشخیص صدمات مسری از صدماتی که مستقیماً و یکباره حادث می شوند، باعث سردرگمی و ایجاد رویه های قضایی متعارض خواهد شد. همچنین با توجه به آن که در سرایت جنایت علاوه به سایر شرایط از جمله مکان، شرایط جسمی مصدوم و شدت آسیب و صدمه، عنصر زمان نیز ضرورت دارد، بهتر آن است که قانون گذار علاوه بر تعریف صریحی از سرایت جنایت، شرایط لازم را در جهت تشخیص صدمات مسری از غیرمسری بیان نماید.

منابع و مآخذ

- ۱- میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، چاپ دوازدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۱۹.
- ۲- زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۹۲، ص ۳۹۶.
- ۳- علامه حلی، قواعد الاحکام، چاپ اول، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۸۵.
- ۴- آقای نیما، حسین، جرایم علیه اشخاص (جنایات)، چاپ پانزدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵، ص ۲۹.
- ۵- همان منبع، ص ۳۰.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰.
- ۷- یعقوبی گلوردی، رحیم، شرح مصور قانون مجازات اسلامی در پرتو موازین پزشکی، فقهی، حقوقی (دیات)، چاپ اول، تهران، انتشارات گیتی، ۱۳۸۳، ص ۹۶.
- ۸- گودرزی، فرامرزی، پزشکی قانونی، چاپ دوم، تهران، انتشارات انیشتین، ۱۳۷۳، ص ۲۶۷.
- ۹- خداپرستی، فرج اله، فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی، چاپ اول، شیراز، انتشارات دانش نامه فارس، ۱۳۷۶، ۲۳۶.
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران، نشر سیروس، ۱۳۴۵، ص ۴۱۰.
- ۱۱- بهشتی، محمد، فرهنگ فارسی صبا، چاپ ششم، تهران، انتشارات صبا، بی تا، ص ۵۷۹.
- ۱۲- قیاسی، جلال الدین، میرازی مقدم، مرتضی، قتل ناشی از سرایت: بررسی فقهی و حقوقی، مجله پژوهش های فقهی، ۱۳۹۴؛ ۱(۱۱): ۱۱۹.



- ۱۳- موسوعه الفقهيہ، الجزء الرابع و العشرون، كويت، وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلاميه، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۶۳.
- ۱۴- ابن براج، قاضی، المهذب، الجزء الاول، قسم، نشرالموسسه الاسلاميه، ۱۴۰۶ ق، ص ۴۶۶.
- ۱۵- هاشمی شاهرودی، محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام، بی چا، قم، موسسه دايره المعارف فقه اسلامي، جلد چهارم، ۱۳۸۹، ص ۴۲۵.
- ۱۶- شمس ناتری، محمدابراهيم، کلانتری، حمیدرضا، زارع، ابراهيم، رياضت، زينب، قانون مجازات اسلامي در نظم حقوقی کنونی (جلد اول، حقوق جزای عمومی)، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳، ۳۳۴.
- ۱۷- آقای نیا، حسین، منبع پیشین، ص ۱۸۲.
- ۱۸- نجفی، محمدحسن، جواهرالكلام فی شرح شرايع الاسلام، الطبعة السابعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، جلد چهل و دوم، ۱۹۸۱ میلادی، ص ۲۹.
- ۱۹- فاضل هندی اصفهانی، محمدبن حسن، كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام، چاپ نخست، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه قم، جلد یازدهم، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۹۸.
- ۲۰- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، چاپ سوم، قم، موسسه ی احیای آثار امام خویی، جلد دوم، ۱۳۸۷، صص ۶ و ۱۴۰.
- ۲۱- تبریزی، آیت اله میرزا جواد، اسس الحدود و التعزیرات، چاپ اول، قم، انتشارات مهر، بی تا، ۱۳۷۶، ص ۳۶۸.